

709

F



709F

نام
نام خانوادگی
محل امضاء

عصر جمعه
۹۰/۱۰/۲۳



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود
امام خمینی (ره)

آزمون دانش‌پذیری دوره‌های فراگیر «کارشناسی ارشد» دانشگاه پیام نور

رشته‌ی اخلاق - اخلاق اسلامی (کد ۱۵)

مدت پاسخگویی ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۹۰

عنوان مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	انسان‌شناسی	۲۰	۱	۲۰
۲	کلیات فلسفه اخلاق	۲۰	۲۱	۴۰
۳	آشنایی با متون اخلاق اسلامی	۲۰	۴۱	۶۰
۴	آشنایی با متون اخلاق به زبان انگلیسی	۳۰	۶۱	۹۰

دی ماه سال ۱۳۹۰

استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

۱- بحث از «انسان» بر اساس «روش» یا بر اساس نوع «نگرش» به ترتیب موسوم به انسان‌شناسی و است و آن‌جا که در نوع تحقیق، در خصوص انسان «تعبد» جایگاه خاص پیدا می‌کند، انسان‌شناسی به روش مطرح می‌گردد.

(۱) دینی - کل‌نگر و جزءنگر - عقلی
(۲) دینی - کل‌نگر و جزءنگر - نقلی
(۳) کل‌نگر و جزءنگر - دینی - نقلی
(۴) کل‌نگر و جزءنگر - دینی - عقلی

۲- همه‌ی بیماری‌های «روانی» غیرمرتبط با جسم، در پرتو درمان‌پذیر است. معرفت حضوری نسبت به خدا و انسان و شناخت حصولی نسبت به انسان و خدا، ارتباط «انسان‌شناسی با توحید» را رقم می‌زند که قسمت دوم آن از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی به دست می‌آید و پیام آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَقَالُوا إِذَا اضْلَلْنَا فِي الْأَرْضِ لَنْ نَجِدَ لِقَاءَ رَبِّنَا إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ مبین ارتباط انسان‌شناسی با است.

(۱) عقلائیّت - ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ - نبوت

(۲) معنایابی - ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ - معاد

(۳) عقلائیّت - ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفْئَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَا اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْحَقُّ﴾ - توحید

(۴) معنایابی - ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفْئَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَا اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْحَقُّ﴾ - توحید

۳- مقیاس و معیار همه چیز قرار دادن «انسان» که در ابتدا یک جنبش بود و بعداً وجهه‌ی به خود گرفت و اعتقاد به این که او یک موجود است بر خاسته از است که نگاه افراطی به را به دنبال داشت.

(۱) سیاسی - فرهنگی - به خود و انباده - انسان‌مداری - عقل

(۲) سیاسی - فرهنگی - رها از جبر تاریخ - شایسته‌سالاری - شهوات افسار گسیخته

(۳) فرهنگی - سیاسی - به خود و انباده - انسان‌مداری - عقل

(۴) فرهنگی - سیاسی - رها از جبر تاریخ - شایسته‌سالاری - شهوات افسار گسیخته

۴- مفهوم «از خودبیگانگی» که مولود نگرش به هویت انسانی است از دیدگاه مکاتب بشری و الهی به یک صورت، مطرح و دریافت این مفهوم در گروه شناخت خود «.....» انسان است.

(۱) مشترک و ثابت - نشده است - حقیقی
(۲) مشترک و ثابت - شده است - واقعی

(۳) متلون و متغیر - نشده است - حقیقی
(۴) متلون و متغیر - شده است - واقعی

۵- یکی از نمودهای «از خودبیگانگی» با استضانه از نورانیت وحی، «اصالت دادن به دیگری» است این مفهوم از دقت در کدام آیه - ی شریفه به دست می‌آید؟

(۱) ﴿مَذْبُوحِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا آلِي هَوْلًا وَلَا آلِي هَوْلًا وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ سَبِيلًا﴾

(۲) ﴿بَنِي سَامِ أَشْتَرُوا بِهٖ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعْدَ أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلٰى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ﴾

(۳) ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ لا يستوى اصحاب النار و اصحاب الجنة

(۴) ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا﴾

۶- یکی از نمودهای از خود بیگانگی انسان با توجه به «هدایت‌گری جاودانه‌ی قرآن»، «به هم خوردن تعادل روحی» انسان از خود بیگانه است که این مفهوم از دقت در تمام آیات زیر به جز گزینه‌ی به دست می‌آید.

(۱) ﴿أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ ما تعبدون الا اسماء سميتنوها انتم و ابااء كم

(۲) ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

(۳) ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِبُونَ صُنْعًا﴾

(۴) ﴿وَإِنْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصِيكُم بِهٖ لَعَلَّكُمْ تُتَّقُونَ﴾

۷- با توجه به مفهوم کدام آیه‌ی شریفه‌ی، راه درمان بیماری از خودبیگانگی «فردی و اجتماعی» از سوی خدای متعال که «أَنَا اللَّهُ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» ترجیع‌بند گفتار و کردارمان در فراز و نشیب حیات می‌باشد، دریافت می‌گردد؟

(۱) ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾

(۲) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مِمَّا قَدَّمَتْ لِغَدْوٍ وَ تَقَالُوهٗ أَنْ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾

(۳) ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ ان يشا يذهبكم و يأت بخلق جديد

(۴) ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ﴾ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ﴾ فِي آيَةِ صُورَةَ مَا شَاءَ رَكْبِكُ﴾

- ۸- از دقت در کدام آیه به «استقلال روح پس از تلاشی جسم» پی می‌بریم؟
- (۱) ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ﴾ لعلىٰ اعلم صالحاً فيما تركت كلاًّ أنّها كلمة هو قائلها ﴿﴾
- (۲) ﴿هَلْ آتَىٰ عَلَى الْإِنسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئاً مَّذْكُوراً﴾ انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتليه ﴿﴾
- (۳) ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّن طِينٍ﴾ ثم جعلناه نطفة ... ثم انشأناه خلقاً آخر فتبارك الله احسن الخالقين ﴿﴾
- (۴) ﴿الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِنْ طِينٍ﴾ ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهين * ثم سواه و نفخ فيه من روحه ﴿﴾
- ۹- بی‌نصیب بودن از شناخت و بودن استعدادها از دقت در آیهی مفهوم می‌گردد.
- (۱) حضوری - بالقوه - ﴿والله اخرجكم من بطون امهاتكم لاتعلمون شيئاً و جعل لكم السمع و الابصار و الأفئدة لعلكم تشكرون﴾
- (۲) حضوری - بالفعل - ﴿فاقم وجهك للدين حنيفا فطرت الله التي فطر الناس عليها لاتبدیل لخلق الله ذلك الدين القيم﴾
- (۳) حصولی - بالفعل - ﴿فاقم وجهك للدين حنيفا فطرت الله التي فطر الناس عليها لاتبدیل لخلق الله ذلك الدين القيم﴾
- (۴) حصولی - بالقوه - ﴿والله اخرجكم من بطون امهاتكم لاتعلمون شيئاً و جعل لكم السمع و الابصار و الأفئدة لعلكم تشكرون﴾
- ۱۰- هر یک از این صاحب‌نظران: سودگرایان، لذت‌گرایان، انسان‌گرایان، طبیعت‌گرایان، به ترتیب طبیعت انسان را چگونه معرفی کرده‌اند؟
- (۱) شرور - شرور - خیرخواه - خیرخواه
- (۲) شرور - خیرخواه - شرور - خیرخواه
- (۳) خیرخواه - خیرخواه - شرور - شرور
- (۴) خیرخواه - شرور - شرور - خیرخواه
- ۱۱- کاربرد «خلافت» به معنای حقیقی ماورایی با به معنای اعتباری به ترتیب از دقت در آیهی شریفه‌ی و آیهی شریفه‌ی به دست می‌آید و از دقت در آیهی ولایت تکوینی مفهوم می‌گردد.
- (۱) ﴿یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض - و اذ قال ربک انی جاعل فی الارض خلیفة﴾ - اول
- (۲) ﴿یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض - و اذ قال ربک انی جاعل فی الارض خلیفة﴾ - دوم
- (۳) ﴿و اذ قال ربک انی جاعل فی الارض خلیفة - یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض﴾ - اول
- (۴) ﴿و اذ قال ربک انی جاعل فی الارض خلیفة - یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض﴾ - دوم
- ۱۲- از دقت در آیهی شریفه‌ی ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ﴾ و آیهی شریفه‌ی ﴿ان اكرمکم عندالله اتقاکم﴾ به ترتیب به کرامت و کرامت انسان متوجه می‌شویم که به ترتیب، موصوف به و می‌باشند و علم پیشین الهی و اراده‌ی فراگیر خداوند، مانع اختیار انسان
- (۱) ذاتی - اکتسابی - تکوینی - اختیاری - نیست
- (۲) ذاتی - اکتسابی - اختیاری - تکوینی - است
- (۳) اکتسابی - ذاتی - تکوینی - اختیاری - نیست
- (۴) اکتسابی - ذاتی - اختیاری - تکوینی - است
- ۱۳- از دقت در آیات ﴿لیهلک من هلک عن بینة و یحیی من حی عن بینة﴾ ، ﴿انا جعلنا ما علی الارض زینة لها لنبلوهم ایتهم احسن عملاً﴾ ، ﴿و ما تشاءون الا یشاء الله﴾ ، ﴿و ما کان لنفس ان تؤمن الا بأذن الله﴾ به ترتیب به موضوع و پی می‌بریم.
- (۱) اختیار - جبر - اختیار - جبر
- (۲) جبر - اختیار - جبر - اختیار
- (۳) جبر - جبر - اختیار - اختیار
- (۴) اختیار - اختیار - اختیار - جبر
- ۱۴- فراهم آمدن شرایط «لازم و نه کافی» و فراهم آمدن شرایط «لازم و کافی» برای تحقق یک امر به ترتیب و الهی است که هیچ‌یک از این دو مخالف «اختیار» انسان نیست و امر مبتنی بر است.
- (۱) قضا - قدر - نخستین - حکمت
- (۲) قضا - قدر - دوم - علم
- (۳) قدر - قضای - نخستین - حکمت
- (۴) قدر - قضای - دوم - علم
- ۱۵- آن عنصر از عناصر زمینه‌ساز اختیار که به منزله‌ی «چراغ» روش‌گر انسان در کارهای اختیاری او است، است و از دقت در آیهی شریفه‌ی ﴿و اصبح فؤاد ام موسی فارغاً ان کادت لتبدی به لولا ان ربنا علی قلبها لتکون من المؤمنین﴾ به بودن «فؤاد و قلب» پی می‌بریم که معنای «عرفی» این دو کلمه است.
- (۱) آگاهی و شناخت - مترادف - مرکز ادراکات و عواطف و احساسات
- (۲) قدرت و توانمندی - مترادف - مرکز ادراکات و عواطف و احساسات
- (۳) آگاهی و شناخت - متفاوت - عضو مخصوصی از بدن که آخرین مرحله‌ی مفارقت روح از بدن
- (۴) قدرت و توانمندی - متفاوت - عضو مخصوصی از بدن که آخرین مرحله‌ی مفارقت روح از بدن

- ۱۶- از دقت در پیام کدام آیه «علم حضوری» انسان، دریافت می‌شود؟
 (۱) ﴿اقلم یسیروا فی الأرض فتكون لهم قلوب یعقلون بها﴾
 (۲) ﴿و اذا ذکر الله وحده اشمزت قلوب الذین لا یؤمنون بالآخرة﴾
 (۳) ﴿و لقد ذرنا لجهنم کثیراً من الجن و الانس لهم قلوب لا یفقهون بها﴾
 (۴) ﴿کلاب، ان علی قلوبهم ما کانوا یکسبون﴾ کلاً لهم عن ربهم لمحجوبون﴾
- ۱۷- از دقت در آیات ﴿بل تؤثرن الحیاة الدنیا و الآخرة خیر و ابقى﴾، ﴿الذی احلنا دارالمقامة من فضله لایمستنا فیها نصب﴾، ﴿و رضوان من الله اکبر ذلک الفوز العظیم﴾، ﴿فیها ما تشتهیه الانفس و تلذذا الاعین﴾ به ترتیب کدام یک از ویژگی‌های لذات اخروی مفهوم می‌گردد؟
 (۱) جاودانگی - کمالات ویژه - خلوص - گستردگی
 (۲) جاودانگی - کمالات ویژه - خلوص - گستردگی
 (۳) گستردگی - خلوص - کمالات ویژه - جاودانگی
 (۴) گستردگی - کمالات ویژه - خلوص - جاودانگی
- ۱۸- «کمال» که یک مفهوم «وجودی» است، برخاسته از غنای حقیقی یک موجود در مقایسه با موجود دیگر است به کمال مکتسب و غیرمکتسب (اکتسابی و غیراکتسابی) منقسم است که مثال آن به ترتیب، و می‌باشد و کمال هر موجود در گرو آن موجود است.
 (۱) فضیلت یافتن استعدادها - شکوفایی مبینی بر اختیار - تسلیم و اطاعت و تسبیح تکوینی و تشریحی
 (۲) فضیلت یافتن استعدادها - شکوفایی مبینی بر اختیار - عینیت یافتن تمام استعدادهای نوعی
 (۳) شکوفایی مبینی بر اختیار - فضیلت یافتن استعدادها - عینیت یافتن تمام استعدادهای نوعی
 (۴) شکوفایی مبینی بر اختیار - فضیلت یافتن استعدادها - تسلیم و اطاعت و تسبیح تکوینی و تشریحی
- ۱۹- «مصدق کمال نهایی انسان» قرب به خداوند است که سیر در مراتب وجود است تا انسان که پیام آیهی شریفه‌ی حاکی از آن است.
 (۱) با همه‌ی وجود، بی‌تأثیری عوامل غیرالهی را در همه‌ی هستی، شهود کند - ﴿ان المتقین فی جنات و نهر فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر﴾
 (۲) با همه‌ی وجود، بی‌تأثیری عوامل غیرالهی را در همه‌ی هستی، شهود کند - ﴿اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون﴾
 (۳) وابستگی کامل و محض خود را با علم حضوری به پروردگارش بیابد - ﴿ان المتقین فی جنات و نهر فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر﴾
 (۴) وابستگی کامل و محض خود را با علم حضوری به پروردگارش بیابد - ﴿اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون﴾
- ۲۰- از دقت در آیات شریفه‌ی ﴿الیه یصعد الکلم الطیب و العمل الصالح یرفعه﴾ و ﴿و لکل درجات مما عملوا و ما یرتک بغافل عما تعملون﴾ به ترتیب، به مفهوم و پی‌می‌بریم.
 (۱) فقط «ایمان» است که به عمل، ارزش و رفعت می‌دهد - هیچ‌کاری در پیشگاه خداوند، بی‌پاداش نیست
 (۲) ایمان و عمل صالح است که زمینه‌ساز وصول به مقام قرب الهی است - هیچ‌کاری در پیشگاه خداوند، بی‌پاداش نیست
 (۳) فقط عمل صالح است که رفعت به مقام قرب را به دنبال دارد - مرتبه‌ی هر کس در مقام قرب، با عمل او رقم می‌خورد
 (۴) اعتقاد پاک را عمل صالح رفعت می‌بخشد - مرتبه‌ی هر کس در مقام قرب، با عمل او رقم می‌خورد
- کلیات فلسفه اخلاق**
- ۲۱- اگر سؤال شود: «چه اصولی را باید در زندگی دنبال کنیم؟» پاسخ دهنده به این سوال، است و آن جا که گفته شود: «همیشه باید کاری را کرد که مجموع لذت‌های همه‌ی افراد را به بیش‌ترین حد خود برساند» به طرح توجه شده است.
 (۱) فرا اخلاق - نظریه‌ی هنجاری
 (۲) اخلاق هنجاری - نظریه‌ی هنجاری
 (۳) فرا اخلاق - اخلاق هنجاری کاربردی
 (۴) اخلاق هنجاری - اخلاق هنجاری کاربردی
- ۲۲- اگر ادعا شود که «خوب» یا «درست» چیزی است که مورد قبول و پذیرش اکثریت جامعه باشد، نظریه‌ی مطرح شده است که توانایی انسان در مخالفت با ارزش‌های جامعه‌ی خود بدون گرفتار آمدن به تناقض، نشانی بر این طرح می‌باشد و به بیان دکتر مارتین لوترکینگ، نادرستی کارهای نژادپرستانه یک امری است می‌باشد.
 (۱) نسبی‌نگری فرهنگی - ناتوانی - عینی - بدون وابستگی به احساس این و آن
 (۲) واقع‌نگری اخلاقی - ناتوانی - عینی - بدون وابستگی به احساس این و آن
 (۳) نسبی‌نگری فرهنگی - توانایی - ذهنی - که برخاسته از ذهن و متکی به دیگران
 (۴) واقع‌نگری اخلاقی - توانایی - ذهنی - که برخاسته از ذهن و متکی به دیگران

- ۲۳- به اعتقاد «لارنس کولبرگ» رویکرد اخلاقی «نسبی‌نگری فرهنگی» مختص گروه و او مدعی این مسأله است که اندیشه‌ی اخلاقی همه‌ی ما، فارغ از فرهنگ‌مان، طی چهار مرحله شکل می‌گیرد که مرحله‌ی نخست و آخر آن به ترتیب، و می‌باشد.
- (۱) نوجوان و جوان - فرمان‌بری - تأیید جامعه
(۲) نوجوان و جوان - تأیید جامعه - فرمان‌بری
(۳) مجرب و سرد و گرم چشیده - فرمان‌بری - تأیید جامعه
(۴) مجرب و سرد و گرم چشیده - تأیید جامعه - فرمان‌بری
- ۲۴- داوری‌های اخلاقی توصیف‌کننده‌ی نوع احساسات ما و داوری‌های اخلاقی توصیف‌کننده‌ی معقولیت ما، به ترتیب، موسوم به و است و آن‌جا که «آزادی اخلاقی» انسان محدود می‌شود، وقتی است که پذیرای شود.
- (۱) ناظر آرمانی - شخصی‌انگاری - نسبی‌نگری فرهنگی
(۲) ناظر آرمانی - شخصی‌انگاری - واقع‌نگری اخلاقی
(۳) شخصی‌انگاری - ناظر آرمانی - نسبی‌نگری فرهنگی
(۴) شخصی‌انگاری - ناظر آرمانی - واقع‌نگری اخلاقی
- ۲۵- اگر گفته شود، «اول در خود احساسات اخلاقی عقلانی را پرورش دهید، بعد از آن‌ها پیروی کنید» این توصیه براساس داوری‌های اخلاقی صادر شده است که مبتنی بر دو اصل و است که ابهام موجود در از اعتبار آن می‌کاهد.
- (۱) سازواری - آگاهی - بی‌طرفی - بی‌طرف بودن
(۲) سازواری - آزادی - عقلانیت - آگاه بودن
(۳) آرمان‌گرایی - آزادی - عقلانیت - آگاه بودن
(۴) آرمان‌گرایی - آگاهی - بی‌طرفی - بی‌طرف بودن
- ۲۶- اگر گفته شود: «مهرورزی خوب است چون مورد خواست خداست و خدا آن را می‌خواهد» و یا گفته شود: «مهرورزی، مقدم برخواست خدا خوب بوده است» با بیان این دو عبارت، به ترتیب و داوری‌های اخلاق ترسیم شده است. که اعتقاد به مستقلات عقلیه‌ی مورد سقراط هم نشانی بر این نوع داوری‌های اخلاقی است.
- (۱) سقم - صحت - فراطبیعت‌گرایی - قبول - ضعف
(۲) سقم - صحت - ناظرآرمانی - انکار - قوت
(۳) صحت - سقم - ناظرآرمانی - انکار - قوت
(۴) صحت - سقم - فراطبیعت‌گرایی - قبول - ضعف
- ۲۷- اعتقاد به حقایق عینی و بدیهی و غیرقابل تعریف اخلاقی، ترسیم‌کننده‌ی داوری در فلسفه‌ی اخلاق است که مهم‌ترین ایراد وارد بر آن به قید که است برمی‌گردد.
- (۱) شهود باوران - سوم - غیرقابلیت تعریف بودن
(۲) شهود باوران - دوم - بدهاقت داشتن
(۳) فراطبیعت‌گرایان - دوم - بدهاقت داشتن
(۴) فراطبیعت‌گرایان - سوم - غیرقابلیت تعریف بودن
- ۲۸- کدام یک از قواعد اخلاقی زیر مبین نظر «مور» در داوری‌های اخلاقی است؟
- (۱) این امر بدیهی است که باید با همه‌ی مردم رفتاری احترام‌آمیز داشت.
(۲) فرهنگ‌های متفاوت شهودهای اخلاقی متفاوت به وجود می‌آورند.
(۳) باید کاری را انجام داد که برای همه بیش‌ترین نتیجه‌ی خوب را به بار می‌آورد.
(۴) ما به شیوه‌ی اخلاقی‌ای نیازمندیم که به مدد آن شهودهای به او رسیده‌ی اخلاقی را نقد کنیم.
- ۲۹- «پوزیتیویسم منطقی» که مورد عاطفه‌گرایان است، از سوی مطرح شد براین اصل تکیه دارد که
(۱) قبول - ای‌جی‌ایر - هر دیدگاهی باید با تجربه‌ی حسن قابل آزمون باشد، در غیر این صورت بی‌معنا است.
(۲) قبول - دیوید هیوم - تمام دعاوی صدق واقعی، فقط تحلیلی‌اند یعنی صدقشان را از طریق تعریف می‌توان دریافت.
(۳) انکار - ای‌جی‌ایر - هر دیدگاهی باید با تجربه‌ی حسن قابل آزمون باشد، در غیر این صورت بی‌معنا است.
(۴) انکار - دیوید هیوم - تمام دعاوی صدق واقعی، فقط تحلیلی‌اند یعنی صدقشان را از طریق تعریف می‌توان دریافت.
- ۳۰- قضایای نه صادق و نه کاذب، شکل‌دهنده به داوری‌های اخلاق مبتنی بر اند که بیانگر واقعیت «باید و نبایدها» «آفرین‌ها و نفرین‌ها» به ترتیب، ترسیم‌کننده‌ی داوری‌های و اند.
- (۱) توصیه‌گرایی - نیستند - توصیه‌گرایی - عاطفه‌گرایی
(۲) توصیه‌گرایی - هستند - عاطفه‌گرایی - توصیه‌گرایی
(۳) عاطفه‌گرایی - نیستند - توصیه‌گرایی - عاطفه‌گرایی
(۴) عاطفه‌گرایی - هستند - عاطفه‌گرایی - توصیه‌گرایی
- ۳۱- براساس داوری‌های مبتنی بر برای رهایی از گرفتار آمدن به تناقض منطقی به کار بردن دو قاعده ضرورت دارد که عبارتند از و
- (۱) عاطفه‌گرایی - باید در وضعیت‌های مشابه ارزش‌گذاری‌های مشابه داشته باشیم - باید عقاید اخلاقی ما با نوع زندگی کردن خودمان و نوع زندگی‌ای که برای دیگران می‌خواهیم هماهنگ باشد.
(۲) عاطفه‌گرایی - اصول اخلاقی خود را با متابعت و پیروی کردن از احساسات خود برگزینید - داوری‌های اخلاقی مبین احساسات فردی کارکردهای اجتماعی هم دارند.
(۳) توصیه‌گرایی - باید در وضعیت‌های مشابه ارزش‌گذاری‌های مشابه داشته باشیم - باید عقاید اخلاقی ما با نوع زندگی کردن خودمان و نوع زندگی‌ای که برای دیگران می‌خواهیم هماهنگ باشد.
(۴) توصیه‌گرایی - اصول اخلاقی خود را با متابعت و پیروی کردن از احساسات خود برگزینید - داوری‌های اخلاقی مبین احساسات فردی کارکردهای اجتماعی هم دارند.

- ۳۲- «دوری کردن و در امان بودن از تناقض میان باورها»، «محفوظ ماندن از تناقض میان داورهای اخلاقی و نحوه‌ی زندگی» و «صیانت از تناقض میان ارزش‌گذاری‌هایی که درباره‌ی کارهای شبیه به هم می‌کنیم» به ترتیب، ترسیم‌کننده‌ی بودن، بودن و بودن که از قواعد است، می‌باشد.
- (۱) بی‌طرف - با وجدان - منطقی - زرین
(۲) منطقی - بی‌طرف - با وجدان - زرین
(۳) با وجدان - منطقی - بی‌طرف - سازواری
(۴) منطقی - با وجدان - بی‌طرف - سازواری
- ۳۳- اگر کسی بگوید: «من با قاعده‌ی زرین موافقم چون که موافق با احساسات من است» اگر کسی بگوید: «من قاعده‌ی زرین را تأیید می‌کنم چون که واجد عقلانیت است» اگر کسی بگوید: «من از قاعده‌ی زرین پیروی می‌کنم چون که یک قانون الهی است» و اگر کسی بگوید «من قاعده‌ی زرین را تأیید می‌کنم چون که برای خود و دیگران ارزشمند می‌دانم» به ترتیب، هم‌گامی و را با قاعده‌ی زرین اعلام داشته است.
- (۱) عاطفه‌گرایی - آرمان‌گرایی - فراطبیعت‌گرایی - توصیه‌گرایی
(۲) عاطفه‌گرایی - فراطبیعت‌گرایی - آرمان‌گرایی - توصیه‌گرایی
(۳) آرمان‌گرایی - عاطفه‌گرایی - فراطبیعت‌گرایی - شهودباوری
(۴) شهودباوری - آرمان‌گرایی - توصیه‌گرایی - فراطبیعت‌گرایی
- ۳۴- این عبارت انجیل لوقا که توصیه می‌کند: «با مردم آن گونه رفتار کن که انتظار داری با تو رفتار کنند» و این عبارت انجیل لوقا که می‌گوید: «همه‌ی ما خواهران و برادران یکدیگریم که همه به دست پدر مهربانی آورده شده‌ایم که خواسته‌اش از ما این است که به یکدیگر مهر بورزیم» به ترتیب به موافقت ادیان الهی با و صحنه گذارده است.
- (۱) توصیه‌گرایی - هماهنگی فراطبیعت‌گرایان با قاعده‌ی زرین
(۲) قاعده‌ی زرین - هماهنگی فراطبیعت‌گرایان با قاعده‌ی زرین
(۳) قاعده‌ی زرین - صحنه‌گذاری شهود باوران بر قاعده‌ی سازواری
(۴) توصیه‌گرایی - صحنه‌گذاری شهود باوران بر قاعده‌ی سازواری
- ۳۵- «جزمیت به خرج ندادن» در حوزه‌های مورد اختلاف نظر عقلا» و «آگاهی در حد امکان به موقعیت دیدگاه‌های خود و دیگران»، «گفتمان جدی با دیگران به منظور خیر یافتن از ناسازواری‌های خویش» و «به کار گرفتن تخیل» به ترتیب از اصول است.
- (۱) نخستین - ثانوی - نخستین - ثانوی
(۲) نخستین - ثانوی - نخستین - ثانوی
(۳) ثانوی - نخستین - ثانوی - نخستین
(۴) ثانوی - نخستین - ثانوی - نخستین
- ۳۶- «پیامدگرایی» یک بحث است که پیام آن این است که
(۱) فرااخلاق - باید کاری را انجام داد که بیش‌ترین نتایج خوب را به دنبال دارد.
(۲) فرااخلاق - باید به کارهایی که فی‌نفسه نادرست است، قطع نظر از نتایج آن دست نیالود.
(۳) اخلاق هنجاری - باید کاری را انجام داد که بیش‌ترین نتایج خوب را به دنبال دارد.
(۴) اخلاق هنجاری - باید به کارهایی که فی‌نفسه نادرست است، قطع نظر از نتایج آن دست نیالود.
- ۳۷- اگر گفته شود: «باید کاری را انجام داد که مورد توصیه‌ی قواعدی است که اگر افراد جامعه سعی کنند از آن‌ها پیروی کنند بهترین پیامدها را خواهند داشت» یا گفته شود: «باید کاری را بکنیم که بهترین پیامدها را به بار می‌آورد» به ترتیب، اخلاق هنجاری فایده‌باوری و فایده‌باوری ترسیم شده است و اعتقاد به این که برخی از انواع کارها «فی‌نفسه» بد یا خوب‌اند، اخلاق هنجاری را معلوم می‌دارد که دیدگاه است.
- (۱) قاعده‌نگر کثرت‌گرایانه - عمل‌نگر - ناپیامدگرایی - راس
(۲) عمل‌نگر - قاعده‌نگر کثرت‌گرایانه - ناپیامدگرایی - راس
(۳) قاعده‌نگر کثرت‌گرایانه - عمل‌نگر - پیامدگرایی - جان استوارت میل
(۴) عمل‌نگر - قاعده‌نگر کثرت‌گرایانه - پیامدگرایی - جان استوارت میل
- ۳۸- ایمانوئل کانت آلمانی، که در داوری‌های اخلاقی از مدافعان است از قواعد اخلاقی دفاع می‌کند که مخالف او در این معرکه است که می‌گوید
- (۱) پیامدگرایان - استثناناپذیر - راس - براساس اصول پایه‌ای اخلاق، در شرایط مساوی، برخی از انواع کارها را باید کرد و برخی را نباید.
(۲) پیامدگرایان - استثناناپذیر - هاس - باید داوری‌ها را برحسب خیرهای گوناگون از جمله فضیلت، معرفت، لذت حیات و آزادی ارزش‌گذاری کنیم.
(۳) ناپیامدگرایان - استثناناپذیر - راس - براساس اصول پایه‌ای اخلاق، در شرایط مساوی، برخی از انواع کارها را باید کرد و برخی را نباید.
(۴) ناپیامدگرایان - استثناناپذیر - هاس - باید داوری‌ها را برحسب خیرهای گوناگون از جمله فضیلت، معرفت، لذت حیات و آزادی ارزش‌گذاری کنیم.

- ۳۹- کدام گزاره، مبین «فایده باوری عمل‌نگر» است؟
 (۱) اگر بتوانید به داوری خودتان در این باره که کدام کار خاص بهترین پیامدها را دارد، اعتماد کنید در آن صورت آن کار را انجام دهید، مگر آن که وظیفه‌ی مهم‌تری را نقض کند.
 (۲) در شرایط مساوی، وقتی وظایف ما متعارض می‌شوند باید از وظیفه‌ی قوی‌تر پیروی کنیم و وظایف فرعی را فدای وظایف اصلی کنیم و قاعده‌ی «اهمیت» را مورد عمل قرار دهیم.
 (۳) در شرایط مساوی باید پیرو هنجارهای: وفاداری، جبران، حق‌شناسی، عدالت، احسان، اصلاح خود، آزار نرساندن باشیم، وقتی که فقط یک هنجار کاربرد دارد، همان یکی وظیفه‌ی ما را معین می‌کند.
 (۴) اگر نتوانید به داوری خودتان در این باره که کدام کار خاص بهترین پیامدها را دارد اعتماد کنید، در آن صورت از قاعده‌ی پیروی کنید که وقتی در این موارد، آن را به کار می‌گیرید بهترین پیامدها را دارد، مگر آن که وظیفه‌ی مهم‌تری را نقض کند.
- ۴۰- اصل «تفاوت» و دیدگاه «استحقاق» به ترتیب مورد حمایت و می‌باشد که به ترتیب جامعه‌ی مورد نظر آنان می‌باشد.
 (۱) نازیک - رالز - همه‌ی افراد حدوداً ثروت یکسانی دارند به استثنای مواردی خاص - هر چه فرد منصفانه به دست آورده باشد، متعلق به خود او است.
 (۲) نازیک - رالز - هر چه فرد منصفانه به دست آورده باشد، متعلق به خود او است - همه‌ی افراد حدوداً ثروت یکسانی دارند به استثنای مواردی خاص
 (۳) رالز - نازیک - هر چه فرد منصفانه به دست آورده باشد، متعلق به خود او است - همه‌ی افراد حدوداً ثروت یکسانی دارند به استثنای مواردی خاص
 (۴) رالز - نازیک - همه‌ی افراد حدوداً ثروت یکسانی دارند به استثنای مواردی خاص - هر چه فرد منصفانه به دست آورده باشد، متعلق به خود او است.

آشنایی با متون اخلاق اسلامی

- ۴۱- پدیدآورندگان «تحصیل السعادة، معراج السعادة، التنبيه على سبيل السعادة، جامع السعادات» که آثار گران قیمت در نمایاندن، فضایل و رذایل اخلاق‌اند، به ترتیب چه کسانی هستند؟
 (۱) فارابی - ملا احمد نراقی - فارابی - ملا مهدی نراقی
 (۲) فارابی - ملا مهدی نراقی - فارابی - ملا احمد نراقی
 (۳) ملا احمد نراقی - فارابی - ملا مهدی نراقی - فارابی
 (۴) ملا مهدی نراقی - فارابی - ملا احمد نراقی - فارابی
- ۴۲- «معیار» برترین و کامل‌ترین خیر بودن و برعکس، به ترتیب، مطلوب و بودن آن است که مصداق آن به ترتیب، می‌باشد.
 (۱) با واسطه - بی واسطه - سعادت - سلامت
 (۲) با واسطه - بی واسطه - سلامتی - سعادت
 (۳) بی واسطه - با واسطه - سعادت - سلامت
 (۴) بی واسطه - با واسطه - سلامت - سعادت
- ۴۳- الخیرات التي نؤثرها أحياناً لأجل ذاتها و أحياناً لأجل غيرها، مصداقها والخیرات التي نؤثرها لأجل ذاتها فقط، مصداقها و من هاتين الفضيلتين أيهما أثر و اكمل و اعظم خيراً؟
 (۱) العلم - العلم - العلم (۲) العلم - السعادة (۳) السعادة - السعادة (۴) السعادة - العلم
- ۴۴- الأحوال التي يلحقه بها حمد أو ذم، اما بدنية و اما نفسانية و اما المميّزة بالذهن و مثالها بالترتيب، و
 (۱) السماع - الفرح - جودة التمييز (۲) السماع - جودة التمييز - الفرح
 (۳) الفرح - السماع - جودة التمييز (۴) الفرح - جودة التمييز - السماع
- ۴۵- «پنهان کاری عقلا» نسبت به لذات حسی، نشان آن‌ها است و لذات حسی بر آلام‌اند و این بیان، معتقد در کتاب است.
 (۱) اخلاص داشتن - مترتب - این مسکویه - تهذیب الأخلاق (۲) اصالت نداشتن - مترتب - این مسکویه - تهذیب الأخلاق
 (۳) اصالت نداشتن - متقدم - خواجه نصیرالدین - اخلاق ناصری (۴) اخلاص داشتن - متقدم - خواجه نصیرالدین - اخلاق ناصری
- ۴۶- به اعتقاد ابن مسکویه لذات حسی به آن سبب نمی‌توانند موصل انسان به سعادت شوند که
 (۱) مسبوق به آلام‌اند و عاقلان در ابراز و اعلان آن شرم دارند.
 (۲) لذت‌طلبی خاص انسان نیست و عاقلان در ابراز و اعلان آن شرم دارند.
 (۳) مسبوق به آلام‌اند و سعادت انسان با خروج از افق حیوانی محقق نمی‌شود.
 (۴) لذت‌طلبی خاص انسان نیست و سعادت انسان با خروج از افق حیوانی محقق نمی‌شود.

- ۴۷- به اعتقاد ابن مسکویه: القوى الثلاثة التي تكوّن في الإنسان من الادون الى الأوسط هي النفس و النفس و ميزان مشاركة الإنسان مع الملائكة هي النفس و احسن الناس من كان قليل العقل قريباً من
- (۱) السّبعية - البهيمية - الأنسانية - السّباع
(۲) البهيمية - السّبعية - الأنسانية - السّباع
(۳) السّبعية - البهيمية - الناطقة - البهائم
(۴) البهيمية - السّبعية - الناطقة - البهائم
- ۴۸- به اعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی، سرعت زوال و کندی آن به ترتیب، از ویژگی‌های و است و آن چه صدورش بی احتیاج به فکر و رویت باشد است که لهیت و سبب وجودش برای نفس، است.
- (۱) ملکه - حال - خلق - طبیعت و عادت
(۲) حال - ملکه - حال - اختیار و اراده
(۳) حال - ملکه - خلق - طبیعت و عادت
(۴) ملکه - حال - حال - اختیار و اراده
- ۴۹- خواجه نصیرالدین طوسی، «سبب هر خلقی که بر طبیعت صنفی از اصناف مردم غالب می‌شود در ابتدا ارادتی بوده و به مداومت ممارست ملکه گشته» پیام این عبارت، صخه‌گذاردن بر این نظر است که
- (۱) هیچ خلقی نه طبیعی است و نه مخالف طبیعت
(۲) خلق هر شخصی او را طبیعی بود و ممتنع الزوال
(۳) همه اخلاق طبیعی باشد و نتقال از آن ناممکن
(۴) بعضی اخلاق طبیعی بود و بعضی به اسباب دیگر حادث شود
- ۵۰- خواجه نصیرالدین طوسی، منازل و مقامات در قربت به حضرت الهیت را به ترتیب، مقام،، و برمی‌شمرد و آنان که به اصلاح عباد و بلاد مشغول باشند، همان و آنان که با کمال علم به حلیت عمل متحلّی باشند، همان می‌باشند.
- (۱) محسنان - موقنان - فایزان - ابرار - محسنان - ابرار
(۲) موقنان - محسنان - ابرار - فایزان - محسنان - ابرار
(۳) محسنان - موقنان - فایزان - ابرار - محسنان
(۴) موقنان - محسنان - ابرار - فایزان - محسنان
- ۵۱- غیاث‌الدین منصور دشتکی، در اخلاق منصوری، «رهانیدن خود از انس و الفت به عالم ماده و ناسوت» و «تن دادن به شریعت» و «عادت دادن جان به عدل و داد» را به ترتیب راه .. و و راه و راه معرفی می‌کند و به بیان او کمال حقیقی به حقیقت بر فضیلتی اطلاق توان کرد که
- (۱) از خود گذشتگان - اخیار - ابرار - تطرق نوازل میامن آن را عرضه‌ی فنا و زوال نگرداند.
(۲) از خود گذشتگان - ابرار - اخیار - تطرق نوازل میامن آن را عرضه‌ی فنا و زوال نگرداند.
(۳) ابرار - اخیار - از خود گذشتگان - موجود غیر ازلی را مهر ابدیت بر ناصبه‌ی سرمدی زند.
(۴) اخیار - ابرار - از خود گذشتگان - موجود غیر ازلی را مهر ابدیت بر ناصبه‌ی سرمدی زند.
- ۵۲- به اعتقاد غیاث‌الدین دشتکی در کتاب اخلاق منصوری، ابیات:
- «نومید هم میباش که رندان باده نوش ناگه به یک خروش به منزل رسیده‌اند
غافل مشو که مرکب مردان مرد را در سنگلاخ بادیه‌ها پی برده‌اند
این راه قلندری است و میدان هلاک این راه مقمران بازنده‌ی پاک»
- به ترتیب زبان حال و است که «زاله‌ی وساوس» طریقه‌ی می‌باشد.
- (۱) ابرار - اخیار - از خود گذشتگان - ابرار
(۲) اخیار - ابرار - از خود گذشتگان - ابرار
(۳) از خود گذشتگان - اخیار - ابرار - از خود گذشتگان
(۴) از خود گذشتگان - ابرار - اخیار - از خود گذشتگان
- ۵۳- اخلاق محتشمی و اخلاق ناصری دو اثر پدیدآورده در اخلاق به زبان و است. تغییر موضع عداوت به «محبت» و «رعایت اخلاق» «بر راه نشینی» به ترتیب پیام کدام آیه و روایت است؟
- (۱) روایی - فلسفی - «ادفع بالّتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوه کانه ولی حمیم» - لاتجلسوا علی ظهور الطریق فان ایتم فغضوا الأبصار و ردوا السلام و اهدوا الضالّة و اعینوا الضعیف
(۲) فلسفی - روایی - «ادفع بالّتی هی احسن فاذا الذی بینک و بینه عداوه کانه ولی حمیم» - لاتجلسوا علی ظهور الطریق فان ایتم فغضوا الأبصار و ردوا السلام و اهدوا الضالّة و اعینوا الضعیف
(۳) فلسفی - روایی - «یدرءون بالحسنة السيئة و اذا ما غضبوا هم یغفرون» - ان لله و جوهها من خلقه لحوائج الناس، یرغبون فی الاجر یعدّون الجود مجدأ و الله یحب مکارم الأخلاق
(۴) فلسفی - روایی - «یدرءون بالحسنة السيئة و اذا ما غضبوا هم یغفرون» - ان لله و جوهها من خلقه لحوائج الناس، یرغبون فی الاجر یعدّون الجود مجدأ و الله یحب مکارم الأخلاق

- ۵۴- توصیه بر «رازداری» و «تأکید بر حفظ کرامت غایبانه‌ی برادر دینی» به ترتیب از دقت در کدام روایت و آیه مفهومی می‌گردد؟
 (۱) من سمع فاحشة فافشاها فهو كاذب اتاها - ﴿و لا یغتب بعضكم بعضا ایحبا حدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً فکرموه﴾
 (۲) لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم - ﴿من تطول علی اخیه فی غیبة سمعها فیہ فی مجلس ردالله عنه الف باب من السوء فی الدنيا و الآخرة﴾
- ۵۵- (۳) من سمع فاحشة فافشاها فهو كاذب اتاها - ﴿من تطول علی اخیه فی غیبة سمعها فیہ فی مجلس ردالله عنه الف باب من السوء فی الدنيا و الآخرة﴾
 (۴) لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم - ﴿و لا یغتب بعضكم بعضا ایحبا حدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً فکرموه﴾
 بعد الدقة فی الآیة الکریمة ﴿لو انفقتم ما فی الأرض جمیعاً ما آلت بین قلوبهم﴾ و الآیتین الکریمتین ﴿فما لنا من شافعیین* و لاصدیق حمیم﴾ یفهم بالترتیب
- (۱) ان الله تعالى اظهر منته على الخلق بنعمة الألفة - الاخوان عدة فی الدنيا و الآخرة
 (۲) ان الرسول یحب وجود الألفة بین الناس - الاخوان عدة فی الدنيا و الآخرة
 (۳) ان الرسول یحب وجود الألفة بین الناس - مکان اعداد الشفاعة و الألفة الدنيا و الآخرة
 (۴) ان الله تعالى اظهر منته على الخلق بنعمة الألفة - مکان اعداد الشفاعة و الألفة الدنيا و الآخرة
- ۵۶- موافقاً لما روى عن النبي صلى الله عليه و آله: «الحب في الله و البغض في الله و توالي اولياء الله و التبسرى عن اعداء الله» و موافقاً لما روى عن علي عليه الصلوة و السلام: «ثلاث من اتى الله بواحدة منهن اوجب الله له الجنة:»
 (۱) اوثق عرى الأيمان - الصدق - و اداء الأمانة - و حسن الخلق
 (۲) افضل الأعمال و احسنها - الصدق - و اداء الأمانة - و حسن الخلق
 (۳) اوثق عرى الأيمان - الأنفاق من اقتار - و البشر لجميع العالم - و الانصاف من نفسه
 (۴) افضل الأعمال و احسنها - الأنفاق من اقتار - و البشر لجميع العالم - و الانصاف من نفسه
- ۵۷- موافقاً لما روى عن علي بن الحسين عليه السلام مختتماً بقول الله تعالى: «نعم اجر العاملين» عین العمل الذى هذا جوابه و ثوابه:
 (۱) كُنَّا نطيع ما امرنا الله بطاعته
 (۲) كُنَّا ننتهي ما نهانا الرسول من اتيانه
 (۳) كُنَّا نلقى اصحاب الكيائ بوجوه مكفهره
 (۴) كُنَّا نُحِبُّ فِي اللَّهِ وَ نَبْغِضُ فِي اللَّهِ
- ۵۸- امام محمد غزالی در کیمیای سعادت، «وفای به عزم» را نشانه‌ی بهره‌مندی از مرتبه‌ی صدق دانسته و مصداق آن را آیه‌ی شریفه‌ی اعلام نموده است.
 (۱) سوم - ﴿و منهم من عاهد الله لئن آتانا من فضله لنصدقن و لنكونن من الصالحين * فلما آتاهم من فضله بخلوا به﴾
 (۲) چهارم - ﴿و منهم من عاهد الله لئن آتانا من فضله لنصدقن و لنكونن من الصالحين * فلما آتاهم من فضله بخلوا به﴾
 (۳) سوم - ﴿انما المؤمنون الذين آمنوا بالله و رسوله ثم لم يرتابوا و جاهدوا بأموالهم و انفسهم في سبيل الله اولئك هم الصادقون﴾
 (۴) چهارم - ﴿انما المؤمنون الذين آمنوا بالله و رسوله ثم لم يرتابوا و جاهدوا بأموالهم و انفسهم في سبيل الله اولئك هم الصادقون﴾
- ۵۹- توضیح غرور و انواع آن که در کتاب «معراج السعادة» اثر اخلاقی باقی مانده از مرحوم مورد گلوش فرار گرفته در طایفه به تصویر کشیده شده که فریب خوردگان شیطان متکی به ارحم الراحمین بودن خدا و مرتکب گناهان، صنف از اصناف مغروران‌اند که داروی شفابخش آنان، توجه به می‌باشد.
 (۱) ملا احمد نراقی - پنج - پنجمین - ﴿و من يتوكل على الله فهو حسبه﴾
 (۲) ملا مهدی نراقی - پنج - پنجمین - ﴿و من يتوكل على الله فهو حسبه﴾
 (۳) ملا احمد نراقی - شش - چهارمین - ﴿كل نفس بما كسبت رهينه﴾
 (۴) ملا مهدی نراقی - شش - چهارمین - ﴿كل نفس بما كسبت رهينه﴾

- با استفاده از مکتوبات اخلاقی در معراج السعادة نسبت به انواع غرور، نوع سوم از مبتلایان به بیماری ضد اخلاقی «غرور» مغرور شدگان به که داوری شفابخش آنان از این بیماری توجه به آیاتی هم چون می باشد.
- (۱) دنیايند - ﴿ايحسبون انما نمدهم به من مال و بنين * نساوع لهم في الخيرات بل لايشعرون﴾
 (۲) دنيايند - ﴿فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره * و من يعمل مثقال ذرة شراً يره﴾
 (۳) خدايند - ﴿فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره * و من يعمل مثقال ذرة شراً يره﴾
 (۴) خدايند - ﴿ايحسبون انما نمدهم به من مال و بنين * نساوع لهم في الخيرات بل لايشعرون﴾

آشنایی با متون اخلاق به زبان انگلیسی

PART A: Vocabulary

Directions: Choose the word or phrase (1), (2), (3), or (4) that best completes each sentence. Then mark the answer on your answer sheet.

61. The new ethical theory is ----- to the one available. There are almost no differences.
 1) interim 2) identical 3) mystical 4) fundamental
62. To be successful, the seekers after God must ----- two conditions.
 1) oblige 2) gather 3) satisfy 4) perform
63. The opposite of ignorance, perplexity, and doubt is certainty, which is none other than lasting, certain -----.
 1) contrition 2) resentment 3) conviction 4) jurisprudence
64. There are a ----- of ways in which one can give others a helping hand.
 1) myriad 2) property 3) temptation 4) righteousness
65. People are judged according to the merit of their deeds and not -----.
 1) faithfully 2) arbitrarily 3) previously 4) undoubtedly
66. We should try to forgive those who ----- against us, cover their evil with pardon, and turn off evil with good.
 1) plot 2) urge 3) uphold 4) elevate
67. In his endeavor to ----- the moral law in his individual and social life, man has often to contend against evil forces.
 1) demand 2) proceed 3) strive 4) realize
68. He was ----- for his failure to respect those whose opinions differed from his.
 1) represented 2) admonished 3) transgressed 4) manifested
69. Real believers keep helping those in need even if they are in -----.
 1) mischief 2) abundance 3) adversity 4) requirement
70. It is impossible in the case of God. "To speak of choice between alternatives is to suggest that other than the best might be chosen and this would be ----- the idea of perfection."
 1) steadfast in 2) indifferent to 3) obligatory for 4) inconsistent with

PART B: Cloze Test

Directions: Read the following passage and decide which choice (1), (2), (3), or (4) best fits each space. Then mark the correct choice on your answer sheet.

Hypocrisy is another disvalue. A hypocrite is one who says with his tongue (71) ----- is not in his heart, who is distracted in mind, being (72) ----- neither for one group nor for another.

Hypocrites are liars. They expect (73) ----- them for that they never do, compete with one another in sin and (74) -----, and hold secret counsels among themselves for (75) -----, hostility, and disobedience. Hypocrites_ men and women _ (76) ----- evil and forbid what is just, and if (77) ----- they come into possession of (78) -----, they do wrong things, break (79) ----- of kinship, and (80) ----- claim to be peace-makers.

- | | | | | |
|-----|----------------------------|--------------|------------------------------|-----------------|
| 71. | 1) that | 2) what | 3) which it | 4) what that |
| 72. | 1) sincerely | 2) gradually | 3) externally | 4) suspiciously |
| 73. | 1) people's praise | | 2) people to praise | |
| | 3) people praising | | 4) people that praise | |
| 74. | 1) rancor | 2) eternity | 3) conjecture | 4) deliberation |
| 75. | 1) fellowship | 2) reverence | 3) abstinence | 4) iniquity |
| 76. | 1) slay | 2) enjoin | 3) condemn | 4) repel |
| 77. | 1) is chance | | 2) by chance | |
| | 3) it is chance | | 4) chance being there | |
| 78. | 1) authority's position | | 2) authority position | |
| | 3) a position of authority | | 4) the authority of position | |
| 79. | 1) ties | 2) spans | 3) virtues | 4) attributes |
| 80. | 1) though | 2) either | 3) so | 4) yet |

PART C: Reading Comprehension

Directions: Read the following passages and answer the questions by choosing the best choice (1), (2), (3), or (4). Then mark the correct choice on your answer sheet.

Passage 1

Al-Ghazali was, undoubtedly, a widely read scholar and was, therefore, well versed in the ethical thought of the Greeks, which did influence him. But it would be basically wrong to say that he was dependent on Greek philosophy for his inspiration. He was, in fact, against the philosophers and their heretical doctrines. Throughout his writings, al-Ghazali takes his stand upon Islamic teachings and invariably quotes from the Qur'an and the traditions in support of his views. Following the Qur'an, for example, he lays emphasis on spiritual values like gratitude (shukr), repentance (taubah), reliance (tawakkul), fear (khauf) of God, etc., which were completely unknown to the Greeks. Similarly, al-Ghazali is thoroughly Islamic in taking the perfect human representation of the moral ideal in the Prophet of Islam (peace be on him), whom God Himself testifies to have the highest character.

Further, we can legitimately say that the notion of the love of God as the summum bonum, leading directly to the beatific vision in the next world has nothing like it in Greek philosophy. This is undeniably based upon the Qur'anic teachings.

81. The primary purpose of the passage is to -----.
- 1) discuss the basic points that form al-Ghazali's theory of ethics
 - 2) reject the notion Greek sources form the basis of al-Ghazali's ideas
 - 3) demonstrate the role of Greek sources in the transfer of Greek philosophy to the Islamic world
 - 4) prove that Greek sources developed their theories long before philosophy emerged in Greece

82. The word "which" in line 2 refers to -----.
- 1) al-Ghazali's widely read works
 - 2) al-Ghazali's influence on Greek philosophy
 - 3) al-Ghazali's critic of the ethical thought of the Greeks
 - 4) al-Ghazali's being familiar with the ethical thought of the Greeks
83. It can be inferred from the passage that -----.
- 1) al-Ghazali revised a some of his earlier ideas that were heretical
 - 2) al-Ghazali was at first more under the influence of Greek philosophers than the Qur'an
 - 3) the Greek philosophers and their heretical doctrines were not in line with Quranic teachings
 - 4) al-Ghazali refined the ideas of the Greek philosophers and included them in his books as his own
84. The word "which" in line 8 refers to -----.
- 1) ethical issues
 - 2) al-Ghazali's writings
 - 3) some spiritual values
 - 4) al-Ghazali's reading Greek philosophers' books
85. The phrase "the highest character" in line 10 refers to -----.
- 1) God
 - 2) al-Ghazal
 - 3) the Qur'an
 - 4) the Prophet of Islam
86. What the author states that is absent in Greek philosophy is -----.
- 1) the next world
 - 2) beatific visions
 - 3) the summum bonum
 - 4) the notion of the love of God
87. Which of the following questions are not explicitly answered in the passage?
- 1) Why were Greek doctrines heretical?
 - 2) What was the main source of al-Ghazali's ideas?
 - 3) What spiritual values does the Qu'ran emphasize?
 - 4) Who did al-Ghazali refer to as the perfect human embodiment of the moral ideal?

Passage 2

Man is roused to anger when some desire of his is not fulfilled, when another person possesses the thing which, he thinks, should rightfully belong to him. When not gratified, anger often turns into malice, which consists in the desire that the desired thing should be lost to the possessor also. It is a feeling of pain at another's good. Sometimes, however, there is no feeling of pain but simply a strong desire that one should also possess a thing like the one the other has. This is known as emulation (ghibtah) and is not undesirable.

We can overcome the vices of excessive self-assertion by forbearance, mildness, forgiveness, humility, etc.

88. The word "fulfilled" in line 1 is closest in meaning to -----.
- 1) satisfied
 - 2) taken
 - 3) given
 - 4) gotten
89. When someone is full of malice, they -----.
- 1) want others not to have anything
 - 2) will certainly become robbers
 - 3) would like to see others lose what they themselves lack
 - 4) want to have things similar to what others possess
90. Paragraph 2 -----.
- 1) offers a solution to a problem
 - 2) states a number of other personality problems
 - 3) refers to the manifestations of excessive self-assertion
 - 4) provides examples for the vices mentioned in paragraph 1